مجله علمی مطالعات پژوهشی
در حقوق آینده
www.journalhi.com/law/

نقش تربیتی خانواده در ترویج مقاومت و گفتمان توحید و مبارزه با شرک در اندیشه رهبر شهید امام خامنه ای

مصطفی دهقانی فیروزآبادی [۱]، مصطفی انصاری شیری [۲،*]

۱- دکتری تفسیر تطبیقی , هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. ایمیل: dr.firouzabadi60@gmail.com
۲- طلبه سطح ۲ حوزه علمیه خان یزد. ایمیل: mostafaansare865@gmail.com
* نویسنده مسئول

چکیده

خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین نهاد تربیتی در جامعه اسلامی، نقشی اساسی در شکل‌گیری باورهای دینی، هویت اعتقادی و جهت‌دهی فکری نسل جدید ایفا می‌کند. در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، خانواده مهم‌ترین بستر تربیت توحیدی و انتقال ارزش‌های دینی به نسل‌ها به شمار می‌آید و می‌تواند در شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر مظاهر شرک و انحرافات فکری نقش بنیادین داشته باشد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که در منظومه فکری رهبر شهید امام خامنه‌ای، خانواده چگونه می‌تواند در ترویج گفتمان توحید و تقویت فرهنگ مقاومت در برابر شرک و انحرافات اعتقادی مؤثر باشد. هدف مقاله تبیین نقش و کارکرد تربیتی خانواده در نهادینه‌سازی باورهای توحیدی و پرورش نسلی آگاه و مقاوم بر اساس دیدگاه‌های ایشان است. روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای است و داده‌ها از طریق بررسی آیات قرآن کریم، متون دینی و بیانات رهبر شهید امام خامنه‌ای گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این منظومه فکری، خانواده از طریق الگوسازی دینی والدین، آموزش مفاهیم اعتقادی، تقویت هویت دینی، ایجاد فضای عاطفی و معنوی در محیط خانواده و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری دینی، می‌تواند نقش مؤثری در نهادینه‌سازی گفتمان توحید و تقویت روحیه مقاومت در برابر مظاهر شرک ایفا کند. بر این اساس، تقویت کارکرد تربیتی خانواده از عوامل مهم در شکل‌گیری هویت دینی پایدار و گسترش فرهنگ مقاومت در جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

کلمات کلیدی: خانواده، تربیت دینی، توحید، مقاومت، شرک، تربیت اعتقادی

The Educational Role of the Family in Promoting Resistance and the Discourse of Monotheism and the Struggle against Polytheism in the Thought of the Martyred Leader Imam Khamenei

Mostafa Dehghani Firouzabadi [1], Mostafa Ansari Shiri [2,*]

1- Ph.D. in Comparative Exegesis Faculty Member, University of Quranic Sciences and Education. Email: dr.firouzabadi60@gmail.com
2- Level 2 Seminarian, Khan Seminary, Yazd. Email: mostafaansare865@gmail.com
* Corresponding Author

Abstract

The family, as the first and most enduring educational institution in Islamic society, plays a fundamental role in shaping religious beliefs, ideological identity, and the intellectual orientation of the new generation. In the thought of the martyred leader Imam Khamenei, the family is considered the most important environment for monotheistic upbringing and for transmitting religious values across generations. Within this framework, the family can play a crucial role in cultivating the spirit of resistance against manifestations of polytheism and ideological deviations.The main problem of this research is to examine how, within the intellectual system of the martyred leader Imam Khamenei, the family can contribute to promoting the discourse of monotheism and strengthening the culture of resistance against polytheism and doctrinal deviations. The aim of the article is to explain the educational role and functions of the family in institutionalizing monotheistic beliefs and nurturing an aware and resilient generation based on his viewpoints.The research method adopted in this study is descriptive–analytical and is based on the study of library sources. The data have been collected and analyzed through the

مجله علمی مطالعات پژوهشی
در حقوق آینده
www.journalhi.com/law/

examination of verses of the Holy Qur'an, Islamic texts, and the statements of the martyred leader Imam Khamenei.The findings of the study indicate that within this intellectual framework, the family can effectively contribute to the institutionalization of the discourse of monotheism and the strengthening of resistance against manifestations of polytheism through several educational mechanisms. These include parental role modeling in religious commitment, teaching fundamental doctrinal concepts, strengthening religious identity, creating an emotional and spiritual atmosphere within the family, and cultivating a sense of religious responsibility among children.Accordingly, strengthening the educational function of the family is considered one of the most important factors in shaping a stable religious identity and expanding the culture of resistance within Islamic society.
Keywords: Family, Religious Education, Monotheism, Resistance, Polytheism, Doctrinal Education

مقدمه

خانواده در منظومه فکری اسلام به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد تربیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی انسان دارد. در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، خانواده کانون اصلی پرورش انسان مؤمن و متعهد و مهم‌ترین بستر انتقال ارزش‌های توحیدی به نسل‌های آینده به شمار می‌آید. از نگاه ایشان، تربیت توحیدی در خانواده صرفاً به آموزش مفاهیم اعتقادی محدود نمی‌شود، بلکه فرآیندی جامع است که در آن ایمان، معرفت دینی و روحیه ایستادگی در برابر انحرافات فکری و فرهنگی در وجود فرزندان شکل می‌گیرد. به همین دلیل، خانواده می‌تواند مهم‌ترین پایگاه برای ترویج گفتمان توحید و مقابله با مظاهر شرک در جامعه اسلامی باشد.

در دیدگاه رهبر شهید امام خامنه‌ای، والدین به‌عنوان نخستین مربیان فرزندان نقش اساسی در انتقال باورهای دینی و شکل‌دهی به شخصیت معنوی آنان دارند. ایشان بر این باورند که رفتار، گفتار و سبک زندگی والدین تأثیر عمیقی بر درونی‌سازی ارزش‌های دینی در فرزندان دارد و اگر فضای خانواده با معنویت، محبت و پایبندی به آموزه‌های الهی همراه باشد، زمینه تربیت نسلی موحد، آگاه و مقاوم در برابر جریان‌های فکری منحرف فراهم می‌شود. از این منظر، خانواده نه‌تنها محل آموزش اعتقادات دینی است، بلکه محیطی برای تجربه عملی ایمان، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری دینی و پرورش بصیرت اعتقادی نیز محسوب می‌شود.

با توجه به تحولات گسترده فرهنگی و فکری در جهان معاصر و گسترش جریان‌هایی که به‌صورت آشکار یا پنهان باورهای توحیدی را تضعیف می‌کنند، ضرورت توجه به تربیت توحیدی در خانواده بیش از پیش احساس می‌شود. رهبر شهید امام خامنه‌ای بارها بر اهمیت تقویت بنیان خانواده و نقش آن در مصون‌سازی جامعه از انحرافات اعتقادی و فرهنگی تأکید کرده‌اند و خانواده را یکی از مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در برابر سلطه فکری و فرهنگی دانسته‌اند. از این رو، تقویت کارکرد تربیتی خانواده در انتقال ارزش‌های توحیدی می‌تواند نقش مؤثری در حفظ هویت دینی جامعه و مقابله با مظاهر شرک ایفا کند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین و تحلیل نقش تربیتی خانواده در ترویج گفتمان توحید و تقویت روحیه مقاومت در برابر شرک در چارچوب اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای است. پرسش اصلی مقاله آن است که در منظومه فکری ایشان، خانواده از چه طریق و با چه سازوکارهایی می‌تواند باورهای توحیدی را در نسل جدید نهادینه کرده و روحیه مقاومت اعتقادی آنان را تقویت کند. پاسخ به این پرسش با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع دینی، آثار و بیانات رهبر شهید امام خامنه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم‌شناسی

در هر پژوهش علمی، پیش از ورود به تحلیل و بررسی موضوع، شناخت دقیق مفاهیم کلیدی آن گام نخست و اساسی به شمار می‌آید. مفهوم‌شناسی به فهم صحیح و روشن یکی از ارکان مهم پژوهش کمک می‌کند و به‌خصوص در موضوعات آموزشی و دینی که مستلزم تعابیر دقیق و دقیق‌اللفظی است، اهمیت دوچندانی دارد. در این مقاله، سه مفهوم محوری «مقاومت»، «توحید» و «شرک» به عنوان بنیان‌های فکری و اعتقادی مورد توجه قرار گرفته‌اند که شناخت درست معنای لغوی و اصطلاحی آنان، زمینه‌ساز تحلیل دقیق‌تر نقش تربیتی خانواده خواهد بود.

از یک سو، مقاومت به معنای ایستادگی و پایداری در برابر فشارهای داخلی و خارجی است که در بستر تربیت دینی، به توانایی حفظ اصول و باورها در برابر انحرافات اشاره دارد. از سوی دیگر، توحید که رکن اساسی اندیشه اسلامی است، اعتقاد به یگانگی خداوند را بیان می‌کند و مبنای

همه آموزه‌های دینی محسوب می‌شود. در مقابل، شرک به معنای فراتر رفتن از یگانگی خدا و مشارکت دادن سایرین در پرستش است که در اسلام به شدت نهی شده است و مبارزه با آن از مهم‌ترین اهداف تربیت دینی به شمار می‌آید.

شناخت لغوی و اصطلاحی این مفاهیم در منابع معتبر عربی و فارسی، می‌تواند چارچوبی روشن برای بررسی نقش تربیتی خانواده در ترویج مقاومت، گفتمان توحید و مقابله با شرک فراهم آورد و از برداشت‌های نادرست و ابهامات جلوگیری کند. بر همین اساس، در بخش مفهوم‌شناسی این مقاله، به تبیین دقیق معنایی واژگان کلیدی با رجوع به منابع لغوی و دینی، پرداخته خواهد شد.

۱-۱- مقاومت

مقاومت در لغت فارسی از ریشه «قوم» به معنای ایستادن و برپا شدن گرفته شده است و در کاربرد عمومی به معنای ایستادگی، پایداری و عدم تسلیم در برابر فشار، تهدید یا عامل بازدارنده به کار می‌رود. در فرهنگ‌های لغت فارسی، مقاومت به معنای «پایداری در برابر نیرو یا فشار» و «ایستادگی و تحمل سختی برای حفظ یک هدف یا ارزش» تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۸۷۶۵). همچنین در فرهنگ معین نیز مقاومت به معنای «ایستادگی و پایداری در برابر چیزی یا کسی» ذکر شده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۹۷۵).

در لغت عربی، واژه «مقاومة» از ریشه «قَوْم» گرفته شده و به معنای ایستادن، برخاستن و مقابله کردن است. لغویان عرب «مقاومة» را به معنای «المدافعة والممانعة وعدم الاستسلام» یعنی دفاع، جلوگیری و تسلیم نشدن در برابر دشمن یا فشار دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۰۳). همچنین در «المعجم الوسیط» مقاومت به معنای «مقابله با دشمن یا عامل تهدید برای دفع آن» تعریف شده است (مجمع اللغة العربیة، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۶۳).

در اصطلاح، مقاومت مفهومی فراتر از ایستادگی صرف دارد و به مجموعه‌ای از کنش‌های آگاهانه، سازمان‌یافته و مبتنی بر ارزش‌ها گفته می‌شود که با هدف مقابله با سلطه، ظلم یا انحراف از حق شکل می‌گیرد. در ادبیات فکری و اجتماعی معاصر، مقاومت به معنای پایداری فعال در برابر سلطه‌طلبی، حفظ هویت دینی و فرهنگی و تلاش برای تحقق عدالت و استقلال تعبیر شده است (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۲). در این نگاه، مقاومت تنها یک واکنش دفاعی نیست، بلکه رویکردی هویتی و ارزشی است که بر پایه ایمان، آگاهی و اراده جمعی شکل می‌گیرد.

در چارچوب گفتمان دینی و توحیدی نیز مقاومت به معنای ایستادگی در برابر شرک، طغیان و سلطه با تکیه بر ایمان به خداوند و پایبندی به ارزش‌های الهی تعریف می‌شود. این نوع مقاومت، علاوه بر بُعد سیاسی و اجتماعی، دارای بُعد تربیتی و معنوی نیز هست و به تقویت روحیه حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی و پایبندی به توحید در فرد و جامعه می‌انجامد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۸). از این رو، مقاومت در گفتمان اسلامی نوعی پایداری فعال در مسیر حق و عدالت محسوب می‌شود که ریشه در باورهای توحیدی و تعهد اخلاقی دارد.

۱-۲- توحید

توحید در لغت از ریشه «وَحَدَ» در زبان عربی گرفته شده و به معنای یگانه دانستن، یکی کردن و اعتقاد به یکتایی چیزی است. لغویان عرب توحید را «الحکم بأنّ الشیء واحد» یعنی حکم کردن به یگانگی و نفی تعدد از آن دانسته‌اند. به همین دلیل، در کاربرد دینی، توحید به معنای اعتقاد به یگانگی خداوند و نفی هرگونه شریک برای او به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۷). همچنین در برخی منابع لغوی، توحید به معنای «افراد الشیء بالوحدانیة» یعنی یکتا دانستن و منحصر کردن چیزی در یگانگی آمده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۴).

در زبان فارسی نیز واژه توحید به معنای «یگانه دانستن خداوند» و اعتقاد به یکتایی او در ذات، صفات و افعال تعریف شده است. فرهنگ‌های فارسی توحید را باور به یکتایی خداوند و نفی هرگونه شریک و همانند برای او می‌دانند (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۷۴). بر این اساس، توحید بیانگر بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اندیشه اسلامی است که محور سایر باورها و ارزش‌های دینی به شمار می‌آید.

در اصطلاح کلامی و الهیاتی، توحید به معنای اعتقاد و باور قلبی به یگانگی خداوند در ذات، صفات و افعال است؛ به گونه‌ای که هیچ موجودی در الوهیت، ربوبیت و شایستگی عبادت با او شریک نباشد. متکلمان اسلامی توحید را اصلی می‌دانند که بر اساس آن خداوند در ذات خود بی‌همتا، در صفات کامل و بی‌نقص، و در افعال مستقل و بی‌نیاز از شریک است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۵).

توحید افزون بر یک اصل اعتقادی، دارای بُعد اجتماعی و تربیتی نیز هست؛ زیرا ایمان به یکتایی خداوند موجب نفی هرگونه سلطه‌پذیری از غیر خدا، مبارزه با طاغوت و شکل‌گیری روحیه آزادگی در فرد و جامعه می‌شود. به همین دلیل، توحید در گفتمان اسلامی نه تنها یک باور الهیاتی، بلکه مبنای شکل‌گیری نظام ارزشی، اخلاقی و اجتماعی در زندگی انسان به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۲).

۱-۳-شرک

شرک در لغت از ریشه «شَرَکَ» در زبان عربی گرفته شده و به معنای شریک قرار دادن و سهیم کردن دیگری در چیزی است. لغویان عرب شرک را به معنای «جعل الشریک» یعنی قرار دادن شریک برای دیگری دانسته‌اند. بر همین اساس، واژه شرک در کاربرد دینی به معنای شریک قرار دادن برای خداوند در الوهیت یا ربوبیت به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۶۵). همچنین در برخی منابع لغوی آمده است که شرک به معنای «المساواة بین اثنین فی أمرٍ ما» یعنی برابر دانستن دو چیز در امری خاص است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷، ص ۲۴۵).

در زبان فارسی نیز شرک به معنای شریک قرار دادن برای خداوند و اعتقاد به وجود همتا یا همانند برای او تعریف شده است. فرهنگ‌های فارسی این واژه را به معنای «اعتقاد به چند خدایی یا شریک دانستن غیر خدا با خداوند در پرستش و قدرت» دانسته‌اند (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۹۵۶). در این معنا، شرک نقطه مقابل توحید به شمار می‌آید و به معنای انکار یا نقض یگانگی خداوند است.

در اصطلاح کلام اسلامی، شرک به معنای نسبت دادن شریک یا همانند به خداوند در ذات، صفات، افعال یا عبادت است. متکلمان اسلامی شرک را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که بر اساس آن انسان برای غیر خدا نوعی الوهیت، ربوبیت یا استحقاق عبادت قائل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۵۸). به بیان دیگر، هرگونه اعتقاد یا عملی که موجب شود غیر خدا در مقام الوهیت یا پرستش قرار گیرد، در حوزه شرک قرار می‌گیرد.

برخی اندیشمندان اسلامی نیز شرک را مفهومی گسترده‌تر دانسته و آن را تنها به پرستش بت‌ها محدود نمی‌دانند، بلکه هر نوع وابستگی و اطاعت مطلق از غیر خدا را که جایگاه الهی پیدا کند، نوعی شرک تلقی می‌کنند. از این منظر، شرک می‌تواند در عرصه‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی نیز ظهور یابد و انسان را از مسیر توحید و عبودیت خالصانه دور سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۴).

۲- نقش کنشی خانواده در تربیت توحیدی و ترویج فرهنگ مقاومت و مبارزه با شرک

در اندیشه رهبر شهید انقلاب، نقش کنشی خانواده به معنای ایفای نقش فعال و آگاهانه والدین در هدایت فکری و رفتاری فرزندان است. این نقش تنها به انتقال اطلاعات دینی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ایجاد تجربه‌های عملی، الگوسازی رفتاری و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر ارزش‌های الهی است. در چنین رویکردی، خانواده به عنوان یک نهاد تربیتی پویا عمل می‌کند که در آن باورهای توحیدی از طریق عمل و تجربه عینی منتقل می‌شود. خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری دینی محسوب می‌شود. بسیاری از نگرش‌های اعتقادی و ارزشی افراد، در تعامل با والدین شکل می‌گیرد و این نگرش‌ها در طول زندگی استمرار می‌یابد. به همین دلیل، هرچه خانواده در انتقال فعال ارزش‌های توحیدی موفق‌تر عمل کند، احتمال شکل‌گیری هویت مقاوم در برابر شرک و انحراف در نسل جدید افزایش می‌یابد .

با توجه به این اهمیت، بررسی نقش کنشی خانواده در تربیت توحیدی و ترویج فرهنگ مقاومت، ضرورتی علمی و تربیتی محسوب می‌شود. چنین بررسی‌ای می‌تواند نشان دهد که چگونه رفتارها و شیوه‌های تربیتی والدین می‌تواند در تقویت ایمان توحیدی و ایجاد روحیه مبارزه با شرک در فرزندان تأثیرگذار باشد .

از این رو، در این نوشتار تلاش می‌شود نقش کنشی خانواده در تربیت توحیدی و ترویج فرهنگ مقاومت از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای تربیتی مؤثر در شکل‌دهی به چنین نگرشی در فرزندان تبیین شود.

۲-۱- الگوسازی عملی والدین در تقویت باورهای توحیدی

در منظومه فکری رهبر شهید امام خامنه‌ای، رفتار و سبک زندگی والدین یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری باورهای دینی و توحیدی فرزندان به شمار می‌آید. از نگاه ایشان، تربیت دینی تنها با آموزش مفاهیم اعتقادی تحقق نمی‌یابد، بلکه فرزندان بیش از هر چیز از رفتار عملی والدین الگو می‌گیرند و ارزش‌های دینی را در بستر زندگی خانوادگی می‌آموزند. ایشان در تبیین نقش الگو بودن والدین در تربیت دینی می‌فرمایند: «آنچه فرزند از رفتار پدر و مادر می‌آموزد، از بسیاری از گفتارها مؤثرتر است؛ اگر پدر و مادر در عمل پایبند به ایمان و توحید باشند، این باور به‌طور طبیعی در دل فرزند ریشه می‌دواند» (بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹، تهران).

از منظر رهبر شهید امام خامنه‌ای، فضای معنوی حاکم بر خانواده و پایبندی عملی والدین به عبادت، یاد خدا و ارزش‌های دینی می‌تواند زمینه درونی شدن باورهای توحیدی را در فرزندان فراهم کند. هنگامی که فرزندان در محیط خانواده جلوه‌های عملی ایمان، توکل و اعتماد به خداوند را مشاهده می‌کنند، این تجربه زیسته به تدریج به بخشی از هویت اعتقادی آنان تبدیل می‌شود. ایشان در این زمینه تأکید می‌کنند: «اگر در محیط خانواده یاد خدا زنده باشد و پدر و مادر در عمل به ارزش‌های دینی پایبند باشند، فرزند به طور طبیعی با ایمان و توحید انس می‌گیرد و این باور در اعماق وجود او تثبیت می‌شود» (بیانات در دیدار با زنان و خانواده‌های کشور، ۱۳۹۵/۰۲/۲۰، تهران).

همچنین در اندیشه ایشان، الگوسازی عملی والدین می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر انحرافات فکری و مظاهر شرک را در فرزندان تقویت کند. وقتی فرزندان در رفتار والدین خود استقلال فکری، توکل به خداوند و پایبندی به ارزش‌های دینی را مشاهده می‌کنند، توانایی بیشتری برای مقابله با جریان‌های فکری انحرافی پیدا خواهند کرد. رهبر شهید امام خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «خانواده‌ای که در آن ایمان، توکل و اعتماد به خدا در رفتار پدر و مادر جلوه داشته باشد، فرزندانی تربیت می‌کند که در برابر فشارها و انحرافات فکری ایستادگی می‌کنند و هویت دینی خود را حفظ خواهند کرد» (بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۷، تهران).

در تربیت اسلامی، تأکید فراوانی بر تأثیر رفتار عملی در انتقال ارزش‌ها شده است. بسیاری از اندیشمندان تربیتی معتقدند که عمل تربیتی والدین تأثیری عمیق‌تر از گفتار آنان دارد. از این رو، اگر والدین در عمل نشان دهند که زندگی آنان بر پایه ایمان به خداوند و اعتماد به قدرت الهی شکل گرفته است، این نگرش در فرزندان نیز درونی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۱۴).

الگوسازی عملی همچنین می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر شرک و انحراف را در فرزندان تقویت کند. هنگامی که فرزندان می‌بینند والدین در برابر ناهنجاری‌ها و ارزش‌های ضد دینی تسلیم نمی‌شوند و از اصول اعتقادی خود دفاع می‌کنند، این روحیه در آنان نیز تقویت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۷۲).

از سوی دیگر، الگوسازی والدین می‌تواند به ایجاد پیوند میان باورهای دینی و رفتار اجتماعی کمک کند. اگر فرزندان مشاهده کنند که ایمان به خداوند در رفتار اجتماعی والدین مانند عدالت، کمک به دیگران و دفاع از حق تجلی یافته است، آنان نیز به تدریج رابطه میان توحید و مسئولیت اجتماعی را درک خواهند کرد (سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۵).

در واقع، الگوسازی عملی والدین نوعی آموزش غیرمستقیم است که بدون اجبار یا تحمیل، ارزش‌های توحیدی را در ذهن فرزندان تثبیت می‌کند. این شیوه تربیتی می‌تواند زمینه شکل‌گیری شخصیت دینی و مقاوم در برابر انحرافات فکری و اعتقادی را فراهم سازد (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹).

بنابراین، هرچه رفتار والدین با آموزه‌های توحیدی هماهنگ‌تر باشد، تأثیر تربیتی آن بر فرزندان بیشتر خواهد بود و احتمال شکل‌گیری نسلی مؤمن، مقاوم و مبارز با مظاهر شرک در جامعه افزایش خواهد یافت.

۲-۲- نقش نظارت تربیتی والدین در تقویت رفتارهای توحیدی و مقاومت در برابر شرک

در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، نظارت تربیتی والدین یکی از عناصر اساسی در هدایت فکری و رفتاری فرزندان به سوی ارزش‌های دینی و باورهای توحیدی به شمار می‌آید. از نگاه ایشان، خانواده تنها محل آموزش مفاهیم اعتقادی نیست، بلکه محیطی است که در آن والدین با هدایت و مراقبت مستمر، زمینه رشد معنوی و اعتقادی فرزندان را فراهم می‌کنند. ایشان با تأکید بر اهمیت توجه والدین به تربیت دینی فرزندان می‌فرمایند: «پدر و مادر باید نسبت به تربیت دینی فرزندان احساس مسئولیت کنند؛ اگر خانواده نسبت به این وظیفه مهم غفلت کند، زمینه نفوذ افکار نادرست و انحرافات فکری در نسل جوان فراهم می‌شود» (بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدا، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، تهران).

از منظر رهبر شهید امام خامنه‌ای، نظارت تربیتی والدین باید همراه با آگاهی‌بخشی و هدایت فکری باشد تا فرزندان بتوانند در برابر جریان‌های فکری انحرافی و مظاهر شرک مقاومت کنند. در این چارچوب، والدین با تبیین صحیح معارف دینی و توجه به نوع ارتباطات و محیط فرهنگی فرزندان، می‌توانند زمینه شکل‌گیری بصیرت اعتقادی را در آنان تقویت کنند. ایشان در این زمینه تأکید می‌کنند: «یکی از وظایف مهم خانواده‌ها این است که مراقب باشند فرزندان در معرض چه اندیشه‌ها و فرهنگ‌هایی قرار می‌گیرند؛ هدایت و مراقبت پدر و مادر می‌تواند نسل جوان را در مسیر درست ایمان و معنویت نگه دارد» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۶/۰۵/۲۲، مشهد).

همچنین در اندیشه ایشان، نظارت تربیتی والدین باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر هدایت فکری، روحیه مسئولیت‌پذیری دینی و پایبندی عملی به ارزش‌های الهی را در فرزندان تقویت کند. هنگامی که والدین با دلسوزی و توجه مستمر رفتارهای فرزندان را هدایت می‌کنند، زمینه شکل‌گیری شخصیت مؤمن و مقاوم در برابر انحرافات اعتقادی فراهم می‌شود. رهبر شهید امام خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «خانواده باید مراقب رشد فکری و اخلاقی فرزندان باشد؛ این مراقبت و هدایت دلسوزانه است که می‌تواند نسل جوان را در برابر انحرافات فکری و وسوسه‌های گمراه‌کننده حفظ کند» (بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، بجنورد).

نظارت تربیتی، علاوه بر مراقبت رفتاری، شامل هدایت فکری نیز می‌شود. والدینی که درباره مفاهیم رسانه‌ای، محتوای کتاب‌ها و نوع ارتباطات اجتماعی فرزندان خود با آنان گفت‌وگو می‌کنند، می‌توانند بهتر از بروز نگرش‌های مبتنی بر شرک، دنیاپرستی یا سلطه‌پذیری جلوگیری کنند (عسکری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۹۹). این گفت‌وگوها به فرزندان کمک می‌کند تا میان ارزش‌های واقعی و ظواهر فریبنده دنیا تمایز قائل شوند.

نظارت والدین زمانی مؤثر است که همراه با احترام و اعتماد باشد. چنین نظارتی باعث ایجاد احساس امنیت روانی در فرزندان می‌شود و آنان را در مسیر ساخت هویت دینی پایدار یاری می‌دهد (حسن‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۴۱). نظارت خشک و اقتدارگرایانه می‌تواند موجب مقاومت منفی شود، اما نظارت مبتنی بر محبت و دلیل‌محوری، پذیرش آموزه‌های توحیدی را افزایش می‌دهد.

نظارت والدین همچنین مانع نفوذ تدریجی باورهای شرک‌آلود می‌شود که در قالب رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و الگوهای سبک زندگی ظاهر می‌گردند. در بسیاری از پژوهش‌ها تأکید شده است که مهم‌ترین عامل در پیشگیری از تأثیرپذیری از این جریان‌ها، حضور فعال والدین در فضای تربیتی فرزندان است (عابدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۵). این نظارت ریشه بسیاری از بحران‌های اعتقادی را پیش از تبدیل شدن به انحراف عمیق خشک می‌کند.

نکته مهم دیگر آن است که نظارت والدین نوعی انتقال غیرمستقیم ارزش است؛ زیرا فرزندان از سطح حساسیت والدین نسبت به مسائل دینی می‌آموزند که کدام ارزش‌ها اهمیت بیشتری دارند. به این ترتیب، نظارت تبدیل به سازوکاری برای تقویت هویت توحیدی و روحیه مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی می‌شود (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷). این موضوع به ویژه در دوره نوجوانی اثربخشی بالاتری دارد.

بنابراین، می‌توان گفت که نظارت تربیتی، ستون اصلی هدایت رفتاری و اعتقادی فرزندان است و نقشی کلیدی در شکل‌دهی هویت مقاوم، حق‌طلب و توحیدمحور ایفا می‌کند. هرچه این نظارت هوشمندانه‌تر، دلسوزانه‌تر و منسجم‌تر باشد، نتیجه آن در مقابله با شرک فکری، اخلاقی و فرهنگی قوی‌تر خواهد بود (یزدانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵).

۲-۳- نقش آموزش و گفت‌وگوی دینی در خانواده در شکل‌گیری نگرش توحیدی

در اندیشه رهبر شهید امام خامنه‌ای، آموزش دینی و گفت‌وگوهای هدایت‌گرانه والدین با فرزندان، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای شکل‌گیری نگرش توحیدی در محیط خانواده است. از نگاه ایشان، تبیین مفاهیم دینی و اعتقادی باید با زبانی روشن، عاطفی و قابل فهم برای نسل جوان صورت گیرد تا معارف توحیدی در ذهن و دل آنان رسوخ پیدا کند. ایشان در بیان اهمیت گفت‌وگوی دینی می‌فرمایند: «پدر و مادر باید معارف دینی را با زبان محبت و منطق برای فرزندان بیان کنند؛ گفت‌وگوی درست دینی، دل نوجوان را به ایمان نزدیک می‌کند» (بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۴/۰۲/۰۳، تهران). چنین ارتباطی، علاوه بر انتقال آموزه‌های اعتقادی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری پیوند عاطفی میان والدین و فرزندان فراهم می‌آورد که پذیرش باورهای توحیدی را آسان‌تر می‌کند.

در نگاه ایشان، خانواده باید محیطی فعال و پویا برای پرسش‌گری دینی باشد؛ فضایی که در آن فرزندان بتوانند پرسش‌های اعتقادی خود را بدون واهمه مطرح کنند و پاسخ‌هایی متقن، عقلانی و محبت‌آمیز دریافت کنند. رهبر شهید امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند: «فرزندان امروز پرسش‌های فراوان دارند؛ پدر و مادر باید با حوصله، منطق و آگاهی پاسخ‌گوی این نیاز باشند تا ذهن آنان از شبهات پاک بماند» (بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۸/۱۲، تهران). چنین شیوه‌ای نه‌تنها موجب تثبیت نگرش توحیدی می‌شود، بلکه قدرت تحلیل و مقاومت فکری فرزندان را در برابر شبهات و جریان‌های فکری انحرافی تقویت می‌کند و آنان را برای مواجهه با چالش‌های اعتقادی جامعه امروز آماده می‌سازد.

گفت‌وگوی دینی میان والدین و فرزندان یکی از مؤثرترین روش‌های آموزش مفاهیم توحیدی است. زمانی که والدین درباره خداوند، حکمت آفرینش و ارزش‌های اخلاقی با فرزندان خود گفت‌وگو می‌کنند، زمینه تفکر دینی در ذهن آنان شکل می‌گیرد. این نوع گفت‌وگوها باعث می‌شود که فرزندان با پرسش‌های اعتقادی خود به صورت منطقی و آرام مواجه شوند و پاسخ‌های مناسب دریافت کنند (اکبری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲۲).

یکی از ویژگی‌های مهم آموزش دینی در خانواده، پیوند آن با تجربه‌های روزمره زندگی است. هنگامی که والدین رخدادهای طبیعی یا اجتماعی را با مفاهیم الهی و توحیدی تبیین می‌کنند، فرزندان به تدریج رابطه میان خداوند و زندگی خود را درک می‌کنند. این روش تربیتی موجب می‌شود که توحید از یک مفهوم نظری به یک باور زنده و ملموس تبدیل شود (بهرامی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸).

از سوی دیگر، آموزش مستمر ارزش‌های دینی در خانواده می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر باورهای نادرست و گرایش‌های شرک‌آلود را فراهم کند. نوجوانانی که از کودکی با مبانی توحید آشنا شده‌اند، در مواجهه با شبهات فکری و فرهنگی توانایی بیشتری برای دفاع از باورهای خود دارند (خسروی، ۱۳۹۷، ص ۹۳). این امر نشان می‌دهد که آموزش دینی در خانواده نقش پیشگیرانه مهمی در برابر انحرافات اعتقادی دارد.

گفت‌وگوی صمیمانه در خانواده همچنین موجب تقویت اعتماد میان والدین و فرزندان می‌شود. این اعتماد باعث می‌شود که فرزندان در مواجهه با پرسش‌های اعتقادی یا شبهات فکری، ابتدا به والدین خود مراجعه کنند. چنین فضایی از شکل‌گیری نگرش‌های نادرست یا برداشت‌های سطحی درباره دین جلوگیری می‌کند (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

افزون بر این، آموزش دینی در خانواده می‌تواند زمینه پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز فراهم سازد. هنگامی که فرزندان می‌آموزند که ایمان به خداوند با عدالت‌خواهی، کمک به دیگران و مقابله با ظلم پیوند دارد، به تدریج نگرشی فعال و مسئولانه نسبت به جامعه پیدا می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۴۷).

۲-۴- نقش ایجاد فضای معنوی در خانواده در تقویت ایمان توحیدی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، خانواده نخستین و مهم‌ترین بستر شکل‌گیری ایمان دینی و توحیدی در انسان است و ایجاد فضای معنوی در خانه نقش اساسی در نهادینه شدن باور به خدا دارد. از نگاه ایشان، اگر محیط خانواده با یاد خدا، انجام عبادات و ارزش‌های اخلاقی همراه باشد، فرزندان از همان سال‌های نخست زندگی با معنویت مأنوس می‌شوند و ایمان در وجود آنان به صورت طبیعی رشد می‌کند. ایشان تأکید می‌کنند که حضور عناصری مانند نماز، تلاوت قرآن، دعا و یاد خدا در فضای خانه، روح توحیدی را در اعضای خانواده تقویت می‌کند و موجب می‌شود که فرزندان خدا را به عنوان محور زندگی خود بشناسند و در تصمیم‌ها و رفتارهایشان به او توجه داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵).

همچنین در این دیدگاه، رفتار و الگوی عملی والدین در ایجاد فضای معنوی خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا فرزندان بیش از آنکه از گفتار تأثیر بپذیرند، از رفتار والدین الگو می‌گیرند. هنگامی که پدر و مادر در زندگی خود توکل به خدا، صداقت، اخلاق نیکو و پایبندی به عبادات را نشان دهند، این رفتارها به تدریج در ذهن و شخصیت فرزندان به عنوان جلوه‌های عملی ایمان توحیدی تثبیت می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای خانواده را «مدرسه نخست انسان» می‌دانند و معتقدند که اگر در این مدرسه، معنویت و خداگرایی حاکم باشد، زمینه شکل‌گیری شخصیت مؤمن و متعهد در جامعه فراهم خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

فضای معنوی خانواده می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر انحرافات اخلاقی و اعتقادی را فراهم کند. زمانی که فرزندان در محیطی رشد می‌کنند که ارزش‌های الهی در آن محترم شمرده می‌شود، کمتر تحت تأثیر فرهنگ‌های ناسازگار با توحید قرار می‌گیرند (زارعی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۵۷). این امر نشان می‌دهد که محیط خانوادگی نقش مهمی در مصونیت‌بخشی فکری و اخلاقی دارد.

همچنین ایجاد فضای معنوی موجب شکل‌گیری احساس حضور خداوند در زندگی فرد می‌شود. این احساس حضور الهی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و اجتماعی فرزندان تأثیرگذار باشد و آنان را از گرایش به رفتارهای نادرست باز دارد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). در چنین شرایطی، ایمان توحیدی به یک عامل هدایت‌کننده در زندگی فرد تبدیل می‌شود.

تجربه‌های مشترک معنوی در خانواده نیز تأثیر قابل توجهی در تقویت باورهای دینی دارد. شرکت اعضای خانواده در مراسم مذهبی، دعاهای جمعی یا فعالیت‌های خیرخواهانه می‌تواند پیوند میان ایمان و زندگی اجتماعی را برای فرزندان روشن سازد (مهدوی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰). این تجربه‌ها به شکل‌گیری هویت دینی فعال کمک می‌کند.

بنابراین، ایجاد فضای معنوی در خانواده نه تنها موجب تقویت ایمان توحیدی در فرزندان می‌شود، بلکه آنان را برای مقابله با مظاهر شرک، انحراف و بی‌معنایی در زندگی آماده می‌سازد. چنین فضایی می‌تواند پایه‌های شکل‌گیری نسلی مؤمن، مسئول و مقاوم در جامعه را فراهم آورد (نجفی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۳).

۲-۵- نقش تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری دینی در خانواده

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، خانواده نخستین کانون تربیت دینی و زمینه‌ساز شکل‌گیری روحیه مسئولیت‌پذیری در قبال دین و ارزش‌های الهی است. ایشان معتقدند که اگر فضای خانواده بر پایه ایمان، تعهد دینی و عمل به تکالیف شرعی شکل بگیرد، فرزندان از همان دوران کودکی نسبت به وظایف دینی خود احساس مسئولیت پیدا می‌کنند. به تعبیر ایشان: «خانواده اولین مدرسه انسان است؛ در خانواده است که پایه‌های ایمان، تعهد و احساس مسئولیت در انسان شکل می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۷۲). در چنین فضایی، آموزش عملی عبادات، توجه به حلال و حرام و تشویق به انجام وظایف دینی، موجب می‌شود که فرزندان دین را صرفاً مجموعه‌ای از آموزه‌های نظری نبینند، بلکه آن را به عنوان مسئولیتی در زندگی فردی و اجتماعی خود بپذیرند.

از نگاه رهبر انقلاب، الگوی رفتاری والدین نقش اساسی در تقویت این روحیه دارد؛ زیرا فرزندان بیش از هر چیز از رفتار پدر و مادر تأثیر می‌پذیرند. هنگامی که والدین در عمل نسبت به احکام الهی پایبند باشند و در انجام تکالیف دینی جدیت نشان دهند، این رفتار به صورت طبیعی در شخصیت فرزندان نیز نهادینه می‌شود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «پدر و مادر با رفتار و عمل خود می‌توانند فرزندان را نسبت به دین، ایمان و انجام تکلیف الهی مسئول و متعهد بار بیاورند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). بنابراین در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، خانواده مهم‌ترین بستر پرورش نسلی مسئول در برابر دین و ارزش‌های اسلامی به شمار می‌آید.

مسئولیت‌پذیری دینی همچنین با تقویت روحیه پاسخگویی در برابر خداوند ارتباط دارد. هنگامی که فرزندان بیاموزند که اعمال و رفتار آنان در برابر خداوند معنا و ارزش دارد، انگیزه بیشتری برای پایبندی به اصول توحیدی پیدا می‌کنند (امین‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۸). چنین نگرشی می‌تواند آنان را در برابر فشارهای اجتماعی و فرهنگی مقاوم سازد.

از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری دینی می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم را فراهم کند. آموزه‌های دینی به انسان می‌آموزند که در برابر بی‌عدالتی و انحراف سکوت نکند و برای تحقق ارزش‌های الهی تلاش نماید (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹). خانواده می‌تواند با آموزش این ارزش‌ها، فرزندان را برای ایفای چنین نقشی در جامعه آماده سازد.

تربیت مسئولیت‌پذیری دینی همچنین موجب افزایش خودکنترلی در فرزندان می‌شود. افرادی که نسبت به ارزش‌های دینی احساس تعهد دارند، کمتر تحت تأثیر وسوسه‌ها یا فشارهای محیطی قرار می‌گیرند (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷). این ویژگی می‌تواند آنان را در مسیر حفظ ایمان توحیدی یاری دهد.

همچنین، مسئولیت‌پذیری دینی موجب شکل‌گیری هویت اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی می‌شود. فرزندانی که چنین تربیتی دریافت می‌کنند، در آینده نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت دیگران احساس مسئولیت خواهند داشت (توسلی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۹۶). این امر یکی از پایه‌های شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در جامعه محسوب می‌شود.

در نتیجه، خانواده با تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری دینی می‌تواند زمینه پرورش نسلی متعهد، آگاه و مقاوم را فراهم کند؛ نسلی که در برابر مظاهر شرک و بی‌عدالتی ایستادگی کرده و در مسیر تحقق ارزش‌های توحیدی گام برمی‌دارد (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳).

۳-نقش عاطفی خانواده در تقویت گفتمان توحید و شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر شرک

بررسی نقش عاطفی خانواده در تقویت گفتمان توحید و شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر شرک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، عواملی همچون محبت والدین، ایجاد احساس امنیت عاطفی، تقویت تعلق دینی و پرورش امید و اعتماد به خداوند می‌توانند به عنوان عناصر اساسی تربیت عاطفی در خانواده مطرح شوند.

۳-۱- نقش محبت و صمیمیت خانوادگی در گرایش به توحید

در اندیشه رهبر شهید، خانواده مهم‌ترین محیط تربیتی برای شکل‌گیری ایمان و گرایش به توحید در انسان است و محبت و صمیمیت میان اعضای خانواده نقش اساسی در این فرایند دارد. ایشان تأکید می‌کنند که فضای عاطفی و محبت‌آمیز در خانواده، زمینه پذیرش ارزش‌های دینی را

در فرزندان فراهم می‌کند. هنگامی که کودک در محیطی سرشار از مهر، احترام و آرامش رشد کند، مفاهیم دینی و توحیدی را با احساس امنیت و اعتماد می‌پذیرد و ارتباط با خدا را به عنوان امری طبیعی و دلپذیر درک می‌کند. از این رو، محبت در خانواده بستری مهم برای انتقال باورهای دینی و تقویت ایمان به خداوند به شمار می‌آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۲۳۸).

از نگاه ایشان، رابطه عاطفی میان والدین و فرزندان باعث می‌شود که آموزش‌های دینی اثرگذاری بیشتری داشته باشد. اگر پدر و مادر با مهربانی، گفت‌وگو و رفتار صمیمانه با فرزندان ارتباط برقرار کنند، توصیه‌ها و آموزه‌های آنان درباره خداشناسی، عبادت و اخلاق دینی برای فرزندان قابل پذیرش‌تر خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید می‌کنند که خانواده باید محیطی امن و گرم باشد تا فرزندان بتوانند در آن به پرسش‌های دینی خود بپردازند و به تدریج به درک عمیق‌تری از توحید دست یابند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

همچنین در این دیدگاه، محبت و صمیمیت خانوادگی الگویی عملی از ارزش‌های الهی را به فرزندان نشان می‌دهد. وقتی کودک رفتارهایی مانند مهربانی، گذشت، احترام و همدلی را در روابط خانوادگی مشاهده می‌کند، این ویژگی‌ها را به عنوان جلوه‌هایی از اخلاق دینی و توحیدی می‌شناسد. در نتیجه، ایمان به خدا تنها یک باور ذهنی باقی نمی‌ماند، بلکه در قالب رفتارهای اخلاقی و روابط انسانی در زندگی او تجلی پیدا می‌کند. به همین دلیل، آیت‌الله خامنه‌ای خانواده‌ای سرشار از محبت و صمیمیت را یکی از مهم‌ترین عوامل پرورش نسل مؤمن و خداگرا در جامعه می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

محبت خانوادگی علاوه بر تقویت ایمان، می‌تواند روحیه مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی را نیز افزایش دهد. فردی که از پشتوانه عاطفی قوی برخوردار است، در مواجهه با چالش‌های اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارد و کمتر تحت تأثیر جریان‌های فکری ناسازگار با باورهای دینی قرار می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹).

از سوی دیگر، محبت والدین موجب شکل‌گیری احساس ارزشمندی در فرزندان می‌شود. این احساس ارزشمندی به آنان کمک می‌کند که هویت دینی خود را با افتخار بپذیرند و در برابر تمسخر یا فشارهای محیطی از باورهای توحیدی خود دفاع کنند (اکرامی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۲۶).

همچنین فضای صمیمانه خانوادگی فرصت مناسبی برای طرح پرسش‌های اعتقادی فراهم می‌کند. فرزندان در چنین فضایی می‌توانند بدون ترس یا نگرانی درباره مسائل دینی پرسش کنند و پاسخ‌های مناسب دریافت نمایند (قادری، ۱۳۹۲، ص ۸۵).

در مجموع، محبت و صمیمیت در خانواده بستر عاطفی مناسبی برای رشد باورهای توحیدی فراهم می‌سازد و موجب می‌شود که ایمان دینی نه تنها به صورت عقلانی بلکه به صورت عاطفی نیز در وجود فرد نهادینه شود.

۳-۲- نقش امنیت عاطفی خانواده در تثبیت ایمان توحیدی

نقش امنیت عاطفی در خانواده از منظر رهبر شهید امام خامنه‌ای در شکل‌گیری و تثبیت ایمان توحیدی بسیار بنیادین تلقی می‌شود. ایشان خانواده را نخستین محیط تربیتی انسان می‌دانند که در آن، محبت، آرامش و احساس امنیت روانی زمینه پذیرش ارزش‌های الهی را فراهم می‌کند. به باور ایشان، هنگامی که فضای خانواده آمیخته با محبت و اعتماد باشد، دل کودک و نوجوان برای پذیرش حقیقت و گرایش به ایمان آماده‌تر می‌شود. چنان‌که می‌فرمایند: «خانواده کانون اصلی محبت و آرامش است و اگر این کانون سالم و همراه با محبت باشد، روح انسان از همان آغاز زندگی با ارزش‌های الهی و ایمان آشنا می‌شود.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۵).

از این منظر، امنیت عاطفی نه‌تنها نیاز روانی اعضای خانواده است، بلکه بستری تربیتی برای انتقال باورهای توحیدی نیز به شمار می‌آید. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که پیوندهای عاطفی در خانواده می‌تواند ایمان را در جان انسان ماندگار کند؛ زیرا تجربه محبت و اعتماد در محیط خانواده، تصویر مثبتی از معنویت و رابطه با خدا در ذهن فرد ایجاد می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «محیط خانواده اگر محیط محبت، مهربانی و اطمینان باشد، ایمان و باورهای دینی در دل فرزندان ریشه می‌دواند و پایدار می‌ماند.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زنان و خانواده‌ها، ۱۳۹۲). بنابراین، استحکام روابط عاطفی در خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تربیتی، نقشی اساسی در تثبیت و تعمیق ایمان توحیدی در نسل‌ها ایفا می‌کند.

وجود امنیت عاطفی در خانواده باعث می‌شود که فرزندان با آرامش بیشتری به مسائل اعتقادی بیندیشند و باورهای دینی را به صورت آگاهانه بپذیرند. در چنین فضایی، ایمان به خداوند به عنوان پناهگاهی معنوی در ذهن آنان شکل می‌گیرد (سجادی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۶۰).

از سوی دیگر، امنیت عاطفی موجب تقویت اعتماد به نفس در فرزندان می‌شود. این اعتماد به نفس نقش مهمی در مقاومت در برابر فشارهای فکری و فرهنگی دارد. نوجوانی که از حمایت عاطفی خانواده برخوردار است، در برابر شبهات اعتقادی یا تبلیغات فرهنگی ناسازگار با دین، استقامت بیشتری نشان می‌دهد (رجبی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲).

امنیت عاطفی همچنین می‌تواند زمینه شکل‌گیری ارتباط عمیق‌تر با خداوند را فراهم کند. هنگامی که کودک احساس کند که جهان پیرامون او امن و قابل اعتماد است، پذیرش مفهوم خداوند به عنوان پشتیبان و حامی آسان‌تر خواهد بود (نصیری، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۹۴).

افزون بر این، خانواده‌ای که امنیت عاطفی را تقویت می‌کند، می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های فکری و اخلاقی جلوگیری کند. زیرا بسیاری از انحرافات اعتقادی در شرایطی شکل می‌گیرند که فرد از نظر عاطفی احساس خلأ و بی‌پناهی داشته باشد (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷).

در چنین فضایی، فرزندان می‌آموزند که در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی به خداوند توکل کنند. این نگرش توحیدی می‌تواند آنان را در برابر بحران‌های فکری و اجتماعی مقاوم سازد (لطیفی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۰۲).

بنابراین، امنیت عاطفی در خانواده یکی از عوامل اساسی در تثبیت ایمان توحیدی و تقویت روحیه مقاومت در برابر شرک و انحرافات اعتقادی به شمار می‌آید.

۳-۳-نقش تقویت احساس تعلق دینی در خانواده

به تعبیر رهبر شهید: «محیط خانواده باید محیط ایمان و عاطفه‌ی دینی باشد؛ جایی که فرزند احساس کند دین بخشی از زندگی و هویت اوست.» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا، ۱۳۹۴). بر این اساس، خانواده با ایجاد فضای محبت‌آمیز و احترام‌آمیز نسبت به ارزش‌های دینی، زمینه می‌سازد تا فرزند دین را نه بیرونی، بلکه متعلق به خویشتن بیابد.

از نگاه ایشان، تقویت این احساس تعلق، نقش مهمی در مصونیت‌بخشی اعتقادی و اخلاقی فرزندان دارد؛ زیرا تعلق هویتی به دین، پایدارتر از آموزه‌های صرفاً آموزشی است. ایشان می‌فرمایند: «وقتی در خانواده، دین با محبت، رفتار نیک و ارتباط صمیمی همراه باشد، جوان احساس می‌کند که این ایمان از آنِ اوست و در برابر تهاجم‌ها پای آن می‌ایستد.» (بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌ها، ۱۳۹۷). به‌این‌ترتیب، خانواده با تبدیل ارزش‌های دینی به تجربه‌ای زیسته و عاطفی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت هویت توحیدی و پایداری معنوی نسل آینده ایفا می‌کند.

احساس تعلق دینی همچنین موجب شکل‌گیری هویت معنوی در فرد می‌شود. فردی که چنین هویتی دارد، باورهای توحیدی را بخشی از شخصیت خود می‌داند و در برابر تهدیدهای فکری از آن دفاع می‌کند (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).

این تعلق عاطفی به دین می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت داشته باشد. زیرا فردی که خود را وابسته به ارزش‌های دینی می‌داند، در برابر جریان‌هایی که این ارزش‌ها را تهدید می‌کنند ایستادگی خواهد کرد (احمدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۹۳).

از سوی دیگر، تعلق دینی موجب افزایش همبستگی اجتماعی میان افراد جامعه می‌شود. چنین همبستگی‌ای می‌تواند در تقویت گفتمان توحید در سطح جامعه نقش مهمی ایفا کند (یاری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸).

خانواده با ایجاد خاطرات معنوی مشترک، مانند سفرهای زیارتی یا مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه، می‌تواند این احساس تعلق را در فرزندان تقویت کند (کریمیان، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۶).

در نتیجه، تقویت احساس تعلق دینی در خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل عاطفی در تثبیت ایمان توحیدی و شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر شرک محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

در اندیشه رهبر شهید، امام خامنه ای، خانواده به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد تربیتی در جامعه، نقش اساسی در شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی افراد دارد. بسیاری از مفاهیم بنیادین اعتقادی، از جمله توحید و نفی شرک، نخستین بار در محیط خانواده و از طریق تعامل مستمر میان والدین و فرزندان درونی می‌شود. از این رو، کیفیت تربیت خانوادگی می‌تواند تأثیر عمیقی بر نوع نگرش افراد نسبت به جهان، خداوند و مسئولیت‌های دینی و اجتماعی آنان داشته باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده از طریق دو بعد مهم کنشی و عاطفی می‌تواند در ترویج گفتمان توحید و شکل‌گیری روحیه مقاومت در برابر شرک نقش‌آفرینی کند. در بعد کنشی، اقداماتی مانند الگوسازی عملی والدین، نظارت تربیتی، آموزش و گفت‌وگوی دینی، ایجاد فضای معنوی در خانه، تقویت مسئولیت‌پذیری دینی و پرورش هویت اعتقادی از مهم‌ترین راهکارهایی هستند که به تثبیت باورهای توحیدی در فرزندان کمک می‌کنند. این اقدامات سبب می‌شوند که مفاهیم دینی از سطح آگاهی نظری فراتر رفته و به بخشی از سبک زندگی و رفتار روزمره افراد تبدیل شوند.

از سوی دیگر، بعد عاطفی خانواده نیز نقشی تعیین‌کننده در تعمیق باورهای دینی دارد. محبت و صمیمیت خانوادگی، ایجاد امنیت عاطفی، تقویت احساس تعلق دینی و پرورش امید و اعتماد به خداوند، زمینه‌ای فراهم می‌کند که فرزندان بتوانند مفاهیم توحیدی را نه تنها به صورت عقلانی بلکه به صورت عاطفی نیز تجربه کنند. این پیوند عاطفی با ارزش‌های دینی موجب می‌شود که ایمان به خداوند در شخصیت فرد ریشه‌دار شده و در برابر جریان‌های فکری و فرهنگی ناسازگار با توحید از پایداری بیشتری برخوردار گردد.

در مجموع می‌توان گفت که تربیت توحیدی در خانواده، بستری مهم برای شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در جامعه محسوب می‌شود. افرادی که در محیط خانوادگی بر اساس ارزش‌های توحیدی تربیت می‌شوند، علاوه بر برخورداری از ایمان و هویت دینی پایدار، در برابر مظاهر شرک، انحرافات فکری و فشارهای فرهنگی نیز ایستادگی بیشتری نشان می‌دهند. از این رو تقویت کارکرد تربیتی خانواده و توجه به ابعاد معرفتی، رفتاری و عاطفی آن می‌تواند نقش مهمی در پرورش نسلی مؤمن، آگاه و مقاوم در مسیر تحقق ارزش‌های الهی در جامعه اسلامی ایفا کند.

منابع و مآخذ

ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
احمدی، رضا. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
احمدی، محمد. (۱۳۹۶). تعلیم و تربیت دینی در خانواده. تهران: انتشارات سمت.
اکبری، حسن. (۱۳۹۴). روش‌های آموزش معارف اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
حجتی، محمدباقر. (۱۳۸۶). آموزش و پرورش در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
حسن‌زاده، محمد. (۱۳۹۳). اصول تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۴). اخلاق و تربیت اسلامی. قم: بوستان کتاب.
حیدرزاده، محمود. (۱۳۹۱). امید در آموزه‌های اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
حیدری، علی. (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت در قرآن. قم: دارالحدیث.
خادمی، سعید. (۱۳۹۳). هویت دینی و تربیت اسلامی. قم: بوستان کتاب.
خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۲). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
خسروی، مهدی. (۱۳۹۶). روش‌های گفت‌وگوی دینی. تهران: سمت.
خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱) خانواده. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای)،
خامنه‌ای، سیدعلی.(۱۳۹۲) سبک زندگی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی،
خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران، ۴ دی ۱۳۷۰. در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات در دیدار جمعی از زنان، تهران، ۳۰ مهر ۱۳۷۶. در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
دانایی، رضا. (۱۳۹۵). توکل و امید در قرآن. قم: دارالحدیث.
دلاوری، محمد. (۱۳۹۴). هویت دینی در جوانان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۳). تربیت اسلامی. تهران: دریا.
رستگار، احمد. (۱۳۹۳). آموزه‌های اخلاقی قرآن. قم: بوستان کتاب.
رضایی، علی. (۱۳۹۲). معنویت در خانواده. تهران: نشر معارف.
زارعی، مهدی. (۱۳۹۴). سبک زندگی اسلامی. تهران: سمت.
سجادی، حسن. (۱۳۹۵). روان‌شناسی رشد و تربیت. تهران: رشد.
سلیمانی، رضا. (۱۳۹۵). تربیت دینی نوجوانان. قم: بوستان کتاب.
شجاعی، محمدرضا. (۱۳۹۵). تربیت عاطفی در اسلام. تهران: نشر معارف.
معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۹). عقلانیت و معنویت. تهران: نگاه معاصر.
مهدوی، رضا. (۱۳۹۴). معنویت در زندگی روزمره. تهران: نشر معارف.
مهدیان، علی. (۱۳۹۶). امید در تعالیم اسلامی. قم: دارالحدیث.
میرزایی، حسن. (۱۳۹۶). تربیت دینی در خانواده. تهران: سمت.
نجارزاده، محمد. (۱۳۹۴). توکل در قرآن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
نجفی، علی. (۱۳۹۵). معنویت و خانواده. تهران: نشر معارف.